

چگونگی گسترش نهضت اسلامی در شهرستان نائین (۱۳۴۰-۱۳۵۷)

حسینعلی قربانی

دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، مدرس مدعو دانشگاه پیام نور

q.hosein@gmail.com

چکیده

در پژوهش پیش‌رو به این پرسش پاسخ داده خواهد شد که چه عواملی زمینه‌ساز شروع و گسترش تحولات انقلابی در شهرستان نائین بودند؟ مدعای پژوهش این است که ترکیبی از عوامل کارگزاری و عوامل ساختاری به آغاز و رشد اندیشه و عمل انقلابی در نائین انجامید. براساس یافته‌های تحقیق، تبعید برخی از نیروهای انقلابی به نائین و انارک زمینه‌ساز آشنایی مردم این منطقه با نهضت امام خمینی (ره) شد. حضور برادر امام (آیت‌الله پسندیده) و شخصیت‌هایی همچون آیت‌الله مکارم شیرازی، حجت‌الاسلام خسروشاهی و... در انارک و آیات عبائی و انصاری شیرازی در نائین، نقطه آغاز فعالیت انقلابیون نائین بود. انقلابیون نائین قشرهایی مختلف همچون بازاریان، فرهنگیان، دانش‌آموزان، دانشجویان و زنان تشکیل شده بودند. تجمع و فعالیت انقلابیون نائین در اماکن مذهبی همچون مسجد امام سجاد (ع) و امامزاده سلطان سیدعلی و نقش این اماکن در نظم و نسق دادن به این فعالیت‌ها، ترکیب عوامل کارگزاری و عوامل ساختاری را در پیشبرد فعالیت‌های انقلابی در نائین نشان می‌دهد. روش پژوهش توصیفی است و بر مصاحبه شفاهی با فعالان انقلابی، و منابع کتابخانه‌ای متکی است.

واژگان کلیدی: نائین؛ انقلاب اسلامی؛ روحانیون تبعیدی؛ انقلابیون نائین.

مقدمه

انقلاب اسلامی - به‌عنوان آخرین انقلاب قرن بیستم - چالشی اساسی برای نظریه‌پردازان انقلاب ایجاد کرد؛ چراکه در این انقلاب نوعی هویت جمعی دینی در میان مردم شکل گرفت و در صورت‌بندی انقلاب بروز یافت و انقلابیون آگاهانه درصدد ساخت جامعه و نظام سیاسی آینده خود به رهبری امام خمینی (ره) برآمدند. نظریه‌های رایج انقلاب به‌ویژه نظریه ساختارگرایانه - که در دهه ۱۹۷۰ میلادی مقبولیت زیادی بین اندیشمندان داشت و بر نقش ساختارهای جامعه و سیطره آن بر کارگزاران تأکید می‌کرد - هیچ نقشی برای اراده انسان‌ها در به‌وجودآوردن انقلاب قائل نبودند (گلدستون، ۱۳۹۲، ص ۲۷)؛ ولی انقلاب اسلامی خدشه‌ای بر این نظریه بود. از این منظر باید بررسی و تحلیل موشکافانه انقلاب را به درون جامعه مذهبی برد و نحوه شکل‌گیری این هویت جمعی دینی را واکاوی کرد. با این توصیف، بررسی انقلاب اسلامی در نائین ضروری است. این شهرستان از دیرباز به‌دلیل مؤلفه‌های انسانی و موقعیت جغرافیایی ممتاز از مناطق پر جنب‌وجوش بوده‌است. با نگاهی عالمانه به پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره انقلاب اسلامی، به‌روشنی می‌توان دریافت که پژوهشگران این حوزه بیشتر به مسائل و رویدادهای کانون‌های اصلی این جنبش یعنی تهران و قم توجه کرده‌اند. این روند موجب شده‌است که به تحولات سایر حوزه‌های محلی مؤثر در حرکت مزبور توجه کافی نشود. این ضرورت درباره شهرستان‌های استان اصفهان - به‌ویژه نائین - اهمیت مضاعفی دارد، زیرا سیاست‌گذاران فرهنگی حکومت پهلوی با هدف تغییرات فرهنگی در این شهرستان اقداماتی انجام دادند ولی با مقاومت مردم نائین روبه‌رو شدند.

محقق در پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که:

چه عواملی زمینه‌ساز ظهور و گسترش نهضت اسلامی در شهرستان نائین شد؟

عوامل مؤثر بر حرکت انقلابی مردم نائین دو دسته بودند: ۱- عوامل کارگزاری؛ ۲- عوامل ساختاری.

۱- عوامل کارگزاری مؤثر بر حرکت انقلابی مردم نائین

۱-۱- آگاهی‌بخشی علما و روحانیون تبعیدی به نائین و انارک به مردم

بعداز تبعید امام خمینی به ترکیه در سال ۱۳۴۳، علمای مبارز با حضور در شهرستان‌های

مختلف، اطلاعات مربوط به امام و رهنمودهای ایشان را در اختیار مردم قرار می‌دادند. آیت‌الله جنتی یکی از مبارزانی بود که پیش از تبعید دسته‌جمعی روحانیون به منطقه نائین و اطراف، در نائین حضور یافت. ایشان در سال ۱۳۴۴ - یک سال پس از تبعید امام - با دعوت اهالی محمدیه نائین در این منطقه و در مسجد منصوران حضور یافت. او در واقع از نخستین پیام‌آوران نهضت امام خمینی در نائین به حساب می‌آمد. سیدعباس قریشی - دبیر بازنشسته نائینی - در این باره می‌گوید: «علمایی که به نائین یا به انارک تبعید می‌شدند و همچنین علمایی که به دعوت مردم به این منطقه می‌آمدند، اطلاعات مربوط به امام را در اختیار مردم می‌گذاشتند. از جمله این افراد - که پیش از دیگر روحانیون تبعیدی به این منطقه آمد - آقای جنتی بود. ایشان در محله محمدیه حضور یافت [و در مسجد منصوران مجلس محرمانه برگزار می‌کرد] البته ایشان تبعید نبود، یکی از اهالی محل، ایشان را می‌آورد. در ماه رمضان سال ۱۳۴۴ فکر کنم بود، ایشان یک سال و چند ماهی در این منطقه بود و اطلاعاتی که درباره امام بود، در اختیار مردم قرار می‌داد» (قریشی (مصاحبه)، ۱۳۹۶، نوار اول).

تبعیدها به نائین از سال ۱۳۵۲ شروع شد. در پاییز آن سال حکومت پهلوی به بهانه کشته شدن یک پاسبان در بازار قم عده‌ای از فضلاء آن شهر را به نقاط بدآب و هوا تبعید کرد. در مجموع از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ آیات: حاج شیخ یحیی انصاری شیرازی (erfanvahekmat.com)، آذری قمی (www.hawzah.net)، محمد عبائی خراسانی (صدیقی، ۱۳۸۴، ص ۱۵) و حجت‌الاسلام اسحاق نیا به نائین تبعید شدند («دیدار با یکی از شاگردان امام»، ۱۳۸۰، ص ۲۶۰).

علاقه مردم نائین به تبعیدی‌ها و همکاری‌شان با آن‌ها بسیار زیاد بود. یکی از فعالان انقلابی در این باره می‌گوید: «آقایانی که در نائین تبعید بودند، آقای انصاری شیرازی و عبائی خیلی خیلی در نائین مؤثر بودند. مردم نائین خیلی مرید ایشان بودند» (عالمی (مصاحبه)، ۱۳۹۶، نوار اول). اعتقادات مذهبی مردم نائین محکم بود، بنابراین از حضور علمای روحانی در این شهر استقبال چشمگیری کردند.

پس از این وقایع، دور دوم تبعید روحانیت مبارز به این شهرستان آغاز شد. آن گونه که از منابع و روایت‌ها می‌توان دریافت، از قم ۱۲ نفر به انارک تبعید شدند، از این میان تعدادی در کسوت روحانیت بودند (آرشبو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۶۷۷۷۰۰۵۳) از جمله آیات: مرتضی پسنیدیه (کاظمی، ۱۳۹۳، ص ۴۴)، مکارم شیرازی (۱۹ دی به روایت اسناد ساواک،

۱۳۸۲، ص ۵۳)، حاج شیخ محمدصادق صادقی گیوی معروف به خلخالی (۱۹ دی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲، ص ۲۱)، حبیب‌الله طاهری گرگانی (خارکوهی، ۱۳۹۵، ص ۲۷)، سید محمدصادق روحانی (۱۹ دی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲، ص ۶۱) و حجج اسلام: سیدهادی خسروشاهی (خسروشاهی، ۱۳۸۶، ص ۱۴)، محمدصادق کرباسچی تهرانی (یاران امام ...، ۱۳۸۰، ص ۴۷۹)، سیداحمد سادات خراسانی (لطفی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۸)، سیداحمد کلانتر (یاران امام ...، ۱۳۹۲، ص ۲۲)، شیخ عباس ضیغمی (یاران امام ...، ۱۳۸۴، ص ۲۸۱)، علی مرادخانی ارنگه معروف به شیخ‌علی تهرانی (یاران امام ...، ۱۳۹۲، ص ۳۵۱) و یک نفر از تبعیدی‌ها هم به نام غلامحسین خردمند شغل آزاد داشت (۱۹ دی به روایت اسناد، ۱۳۸۲، ص ۱۱۱).

۱-۱-۱- عباسعلی مؤمن (خطیب)؛ پیشرو حرکت روحانیون در نائین

تعامل مثبت بین روحانیون تبعیدی و آقای خطیب موجب گسترش نهضت اسلامی در نائین شده بود. آیت‌الله عبائی از روحانیون تبعیدی به نائین، همواره به نقش پررنگ حاج‌آقای خطیب اشاره می‌کند و از برگزاری جلسات تفسیر و عقاید - و در پوشش آن‌ها بیان مسائل نهضت - در مدرسه علمیه این شهر و حضور عموم مردم و فرهنگیان سخن می‌گوید («خاطرات عبائی از تبعیدگاه‌های خویش»، ۱۳۸۴، صص ۱۵۲-۱۶۱).

حجت‌الاسلام محمود میرزابیگی درباره جایگاه حاج‌آقا خطیب و میزان تأثیرگذاری ایشان در روند نهضت امام‌خمینی(ره) و نگرانی مأموران دولت از نفوذ ایشان سخن می‌گوید و اشاره می‌کند که به این دلیل ایشان را ممنوع‌المنبر کردند و در اقدام بی‌سابقه‌ای در سطح کشور، از خواندن نماز جماعت نیز منع کردند. محمود میرزابیگی بعد از این واقعه، از سوی عباسعلی مؤمن به امامت مسجد امام سجاد (ع) منصوب شد (میرزابیگی (مصاحبه)، ۱۳۹۶، نوار دوم).

پس از آیت‌الله خطیب، سه امام‌جماعت در مقاطع مختلف، نقش تعیین‌کننده در مبارزات انقلابی نائین ایفا می‌کردند؛ حجج اسلام: محمود میرزابیگی، حاج حسین نبی‌پور و کاظم صدیقی (فردین (مصاحبه)، ۱۳۹۶، نوار اول).

براساس خاطرات موجود، افراد تبعیدشده به انارک و نائین، همان فعالیت‌هایی را که در قم و یا سایر شهرها انجام می‌دادند، در نائین هم پی‌می‌گرفتند و تبعید مانعی بر سر فعالیت‌های ایشان نبود. حجت‌الاسلام والمسلمین خسروشاهی درباره این فعالیت‌ها اظهار می‌دارد: «آیت‌الله

پسندیده گاهی مطالعه می‌کرد و یا مشغول دیدار با کسانی بود که به ملاقات ایشان می‌آمدند و یا وجوهاتی را می‌آوردند... آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی که ما طبق معمول مزاحمشان می‌شدیم، مشغول تکمیل تألیفات خودشان در تفسیر قرآن مجید و مباحث فقهی-اصولی بودند... این‌جانب هم مشغول تکمیل ترجمهٔ ۵ جلدی کتاب «مام علی(ع): صدای عدالت انسانی» تألیف جرج جرداق بودم... دوستان محترم واعظ هم، شب‌های جمعه و یا در مراسم دیگر، در مساجد انارک سخنرانی می‌کردند و یا به دیدوبازدید مشغول بودند» (خسروشاهی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۹).

رسیدگی به وضعیت مردم منطقهٔ محروم انارک از دیگر فعالیت‌های انقلابیون تبعیدشده بود. در این راستا تبعیدی‌ها به انارک در کنار فعالیت‌های انقلابی، رسیدگی به امور مردم نیازمند انارک را نیز از اولویت‌های خود می‌دانستند (علیان‌نژاد، ۱۳۸۸، ص ۸۲). کمک‌هایی که آیات عظام و علمای روحانی برای تبعیدی‌ها می‌فرستادند عموماً با خودداری تبعیدی‌ها از قبول آن‌ها همراه می‌شد و تبعیدی‌ها خواهان تحویل این کمک‌ها به نیازمندان می‌شدند. در یکی از اسناد ساواک در این باره آمده است: «اطلاعیهٔ رسیده حاکی است: قریب یک هفته قبل آقای صدوقی مبلغ سی و پنج هزار تومان جهت نامبردهٔ بالا که در انارک تبعید می‌باشد شخصاً می‌برد؛ ولی مشارالیه از دریافت پول خودداری و اظهار داشته جهت طلبه‌ها بفرستید» (لطفی، ۱۳۹۳، ص ۴۴).

افزون بر این فعالیت‌ها، سفیدگر از دیگر فعالان انقلابی نائین، به نقش علمای دینی در کاهش خشونت از طریق گفت‌وگو با مسئولان دولتی اشاره می‌کند: «خیلی درگیری‌ها شدید و منجر به کشت و کشتار نشد و علتش هم این بود که علما می‌رفتند و با مسئولین صحبت می‌کردند و اگر بازداشتی هم نصف روز و روزی بود، جوان‌ها آزاد می‌شدند و خیلی دچار مشکل خاصی در این زمینه نشدیم» (سفیدگر (مصاحبه)، ۱۳۹۶).

۲-۱- شبکهٔ ارتباطی تبعیدیان

شبکهٔ ارتباطی مبارزان تبعیدی انقلاب اسلامی، همواره یکی از نقاط قوت و برجستهٔ آنان به‌شمار می‌آمد. این شبکه، فعالیت‌های مختلفی انجام می‌داد: ارسال اعلامیه‌ها، نوارها، کتاب‌های امام خمینی؛ انتقال اخبار نهضت و حوادث جاری کشور، آگاهی از وضعیت مبارزان تبعیدی در

اقصی نقاط کشور از مهم‌ترین این فعالیت‌ها بود. گزارش‌های ساواک، سومین فعالیت این رابطه را گزارش کرده‌است براساس این گزارش بین تمام تبعیدی‌ها در استان‌های مختلف رابطی برگزیده شده بود که مرتباً خواسته‌ها و شکایات تبعیدشدگان را تکثیر و توزیع می‌کرد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک...، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۹۷).

حضور روحانیون و عالمان برجسته‌ای همچون آیت‌الله پسندیده در انارک، کنترل این منطقه را برای ساواک و نیروهای امنیتی شهرستان با مشکل مواجه کرده بود؛ آن‌ها به کرات خواستار کاهش تعداد روحانیون تبعیدی به این منطقه بودند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک...، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۹)؛ چراکه به دلیل حضور این تبعیدی‌ها، شهرستان نائین محل رفت‌وآمد فعالان انقلابی از سراسر کشور شده بود.

بیشتر اوقات این افراد در محل اقامت آیت‌الله پسندیده جمع می‌شدند. افراد سرشناس و معروفی از علما و بازاریان و شخصیت‌های برجسته به ملاقات تبعیدی‌ها می‌آمدند که از آن جمله می‌توان به: آیات: صدوقی، خاتمی، کفعمی (از زاهدان)، طاهری گرگانی، سبحانی، مسعودی، محفوظی، و دیگر اصحاب امام و شخصیت‌هایی چون مهندس مهدی بازرگان و دکتر یدالله سحابی اشاره کرد. افزون بر این شخصیت‌ها، بازاریان یا مردم عادی خمین، قم، اصفهان، یزد، نائین و جاهای دیگر نیز به ملاقات آیت‌الله پسندیده می‌آمدند و طبیعتاً با دیگر تبعیدی‌ها هم دیدار می‌کردند. حجت‌الاسلام والمسلمین مجید انصاری در آن زمان طلبهٔ نوجوانی بود؛ او نیز به انارک رفت و به آموزش قرآن به نوجوانان پرداخت (خسروشاهی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۹).

«مردم نائین نیز همواره به دیدار آقایان علمای تبعیدی انارک می‌رفتند و همراه خود امکاناتی که در انارک نبود همچون آب آشامیدنی و حتی میوه‌جات و سبزی می‌بردند» (ملکیان نائینی (مصاحبه)، ۱۳۹۶، نوار اول).

۳-۱- قشرهای مختلف نائین در تحولات نهضت اسلامی

۱-۳-۱- بازاریان نائین در انقلاب اسلامی

بازار همواره یکی از سنگرهای اعتراضی مردم ایران در یک سدهٔ اخیر -از جنبش مشروطیت به این سو- بود و بازاریان بخشی از نیروهای مبارز مردمی علیه رژیم سلطنت پهلوی بودند.

همیشه شدت مبارزه مردم ایران علیه دستگاه حاکم زمان، نشانی در بازار داشت. وقتی در شهر شایع می‌شد: «دکان‌ها را بسته‌اند» یا «بازار به حال تعطیل درآمده» مردم - حتی ناآگاهان هم - می‌فهمیدند که اعتراضی شده و ماجرای در جریان است (عتیق‌پور، ۱۳۵۸، ص ۷). نمونه بارز این موضوع در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بود که با بسته شدن بازار، مردم فهمیدند که روحانیت به رهبری امام خمینی علیه ظلم و ستم دستگاه سلطنت قیام کرده است و مردم هم همراه بازاری‌ها علیه حکومت وارد مبارزه شدند؛ بنابراین نقش بازاریان در انقلاب اسلامی، بسیار حساس و زیاد بود؛ آنان همواره می‌توانستند با حمایت‌های مالی خود از نهضت، پایه‌های اقتصادی آن را استحکام بخشند. همچنین آنان پس از اوج گرفتن شعله‌های انقلاب، با بستن مغازه‌های خود و اعتصاب، به نحوی دیگر به پیشبرد اهداف انقلاب یاری رساندند. در نائین نیز - همچون سایر شهرهای ایران - چنین رویکردی از سوی بازاریان اتخاذ شده بود. یکی از روایان حوادث نائین درباره وضعیت بازار نائین در بحبوحه انقلاب می‌گوید: «بازارها عموماً بسته می‌شد، اما مغازه زیاد نه، کمی پیشش باز بود؛ همه را نمی‌بستند» (متولی‌زاده (مصاحبه)، ۱۳۹۶، نوار اول). یکی دیگر از شاهدان عینی، تعطیلی مغازه‌ها و بسته شدن بازار را تأیید کرد؛ ولی از حمایت مالی آن‌ها از انقلاب اسلامی اظهار بی‌اطلاعی کرد (قریشی (مصاحبه)، ۱۳۹۶، نوار اول).

حاج محمد ملکیان نائینی - پدر حاج رضا ملکیان نائینی - قریب یک قرن در سه نوبت در نائین اذان می‌گفت. او از بازاریانی بود که نقش زیادی در رویدادهای منتهی به انقلاب اسلامی ایفا کرد. وی به همراه فرزندش و عده‌ای دیگر از تاجران نائین، با بازدید مکرر از انارک، به دیدار علمای تبعیدی آن شهر می‌رفتند و از آنان حمایت مالی و معنوی می‌کردند که این تعامل زمینه خوبی برای رشد افکار انقلابی در نائین بود (مصاحبه با رضا ملکیان، ۱۳۹۶، نوار اول).

بخشی از کسبه نائین حضور افراد بهائی را در رأس هرم اقتصادی کشور نمی‌پسندیدند. آن‌ها با تحریم بانک صادرات - که هژبر یزدانی بهائی در رأس آن بود - افزون بر اینکه حمایت خود را از علمای اسلام اعلام می‌داشتند، مخالفت خود را با سیاست‌های اقتصادی حکومت نشان می‌دادند. در یکی از اسناد ساواک در این باره آمده است که عده‌ای از اهالی نائین برای بستن حساب‌های خود به بانک صادرات مراجعه کرده‌اند: «چون یکی از سهامداران بانک مذکور به نام هژبر یزدانی، بهائی می‌باشد و علماً معامله با این بانک را حرام نموده‌اند» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک...، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۵۷). در سند دیگری از شکسته شدن شیشه‌های

بانک هژبر یزدانی بهائی سخن به میان آمده است: «ساعت ۲۲ روز ۱۳۵۷/۱/۱۱ در شهرستان نائین، دو جام شیشه‌های بانک صادرات به وسیله سنگ، توسط اتومبیل ناشناسی شکسته و مرتکبین متواری می‌گردند» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک...، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۷۹).

۲-۳-۱- نقش مدارس، معلمان و دانش‌آموزان نائین در انقلاب اسلامی

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ وضعیت خاصی بر فضای سیاسی و اجتماعی ایران حاکم شد؛ به گونه‌ای که بیشتر مبارزان و آزادی‌خواهان یا به دست نیروهای امنیتی ساواک گرفتار شدند و یا ترک وطن کردند. در چنین وضعیتی دانش‌آموزان نیز برای مدتی دچار رکود و فترت شدند (احمدی، ۱۳۹۵، ص ۲۷۶)؛ ولی آنان در برابر رخداد‌های کشور بی‌تفاوت نبودند و با حضور در مدارس و مساجد و بهره‌گیری از معلمان مبارز و علما توانستند با استحکام مبانی فکری و اعتقادی و افزایش آگاهی، آمادگی خود را حفظ کنند. در آستانه اوج‌گیری مبارزه در اواسط دهه ۵۰ جمعیت ایران به مراتب جوان‌تر از گذشته شده بود به طوری که گروه سنی ۱۵-۲۴ ساله حدود ۱۹ درصد جمعیت (۶,۴۰۰,۰۰۰) نفر را در بر می‌گرفت. با توجه به رشد طبیعی جمعیت شهرها و همچنین مهاجرت جوانان به شهرهای بزرگ، سهم جوانان از کل جمعیت شهری با شتاب زیادی افزایش یافت؛ تا جایی که بیش از ۵۰ درصد کل جمعیت جوانان ایران در شهرها ساکن بودند (مشایخی، ۱۳۷۳، ص ۴۳).

بعضی از دانش‌آموزان و دانشجویانی نائینی در اصفهان و دیگر شهرها مشغول به تحصیل بودند و به نائین هم رفت و آمد داشتند. آن‌ها نقش حیاتی در تداوم نهضت در این شهر ایفا کردند؛ در واقع نیروی جوانی آنان توانمندی نیروهای انقلابی در این شهر را افزایش می‌داد. در این رابطه یکی از دبیران بازنشسته نائین درباره فعالیت‌های دانش‌آموزان می‌گوید: «در [مدارس و دبیرستان‌ها خیلی خیلی بچه‌ها در صحنه بودند، در کلاس که می‌رفتیم می‌دیدیم بچه‌ها نوار دستشان هست و سخنرانی‌های امام را با نوار ردوبدل می‌کردند» (عالمی (مصاحبه)، ۱۳۹۶، نوار اول).

ملکیان از دیگر معلمان مبارز در مصاحبه با نگارنده درباره نقش دانش‌آموزان و دانشجویانی که برای آگاهی بیشتر دانش‌آموزان، نمایشگاه کتاب‌های دکتر شریعتی و شهید مطهری و دیگر متفکرین انقلاب را برپا کرده بودند، با نقل خاطره‌ای می‌گوید: «پیش از پیروزی انقلاب در

دبیرستان شهید چمران که قبلاً به نام دکتر طباطبائی بود، دانشجویان فعالی داشتیم که از دانشگاه اصفهان به این جا می آمدند و نمایشگاه های کتاب تشکیل می دادند و آخرین آن ها که نمایشگاه بسیار عالی [ای] بود یک سال به پیروزی انقلاب بود، اسامی این ها را یکی از نیروهای شهربانی پشت برگه [ای] که مجوز از آموزش و پرورش داشت، نوشته بود. این ها همه دانشجوی بودند و من هم مسئول دفتر مدرسه بودم که در دفتر ثبت کنم، معاون ما آقای عابدی نژاد که پدر شهید هم شدند بعدها، گفتند اسامی را بایگانی نکن و پیش خودت نگهدار. شاید ایشان پیش بینی کرده بودند، بعد ما دیدیم ظرف ۲۴ ساعت نمایشگاه کتاب را جمع کردند و اسامی بچه ها را خواستند. یک مأموری آمد در دفتر پیش من و گفت: اسامی کجاست؟ من گفتم: چه اسامی [ای]؟! گفت: آن اسامی که از آموزش و پرورش آمده بود. گفتم: ما آن ها را پاره کردیم؛ شما که نگذاشتید که فعالیت کنند؛ شما باید پاسخگو باشید. گفت: اسامی شان را حفظ هستید؟ این ها هم محله ای شما هستند. ما گفتیم: نه نمی شناسیم. نهایتاً ما را به محل شهربانی قدیم - که نزدیک امامزاده بود - بردند؛ ما خودمان را به ندانستن زدیم و مجبور شدند آزادمان کردند» (ملکیان (مصاحبه)، ۱۳۹۶، نوار دوم).

اسنادی که بعدها منتشر شد مؤید این روایت رضا ملکیان نائینی بود. در این سند به نام یکی از دانشجویان نیز اشاره شده است: «محمدرضا اعظمی نائینی فرزند محمدعلی... برابر اعلام شهربانی استان اصفهان شهربانی نائین گزارش نموده: محمدرضا اعظمی نائینی که به اتهام شرکت در تظاهرات دستگیر و زندانی شده است در ماه های گذشته در شهرستان نائین فعالیت های مضره ای در بین جوانان داشته و چند ماه قبل به وسیله چند نفر از دوستان دانشگاهی خود برای تشکیل نمایشگاه کتاب جهت اشاعه نظرات خود اقداماتی در آن شهرستان انجام داده [داده] که به علت مخالفت مراجع ذی صلاح از این امر منصرف گردیده است» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک...، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۱۶).

باتوجه به این سند و همچنین روایت شاهدان عینی حوادث می توان گفت: دانشجویان در کنار دانش آموزان نقشی کلیدی در رهبری مبارزات و پیشبرد آن در شهرستان نائین ایفا می کردند. رضا ملکیان که در همان دوران دبیر دبیرستان دکتر طباطبائی (شهید چمران فعلی) بود درباره این موضوع می گوید: «دانشجویان نائینی، در دانشگاه اصفهان تحصیل می کردند؛ اما به نائین نیز می آمدند و در این شهر فعالیت داشتند و وقایع را انعکاس می دادند. از جمله این افراد می توان

به: داود احمدی، بهمن احمدی - که فوت کرد - ضیاء موسوی و امیر سخائی اشاره کرد. در خود دبیرستان هم که ما دبیر بودیم می دانستیم که بچه‌ها از اصفهان می آمدند و این جا فعالیت داشتند» (ملکیان (مصاحبه)، ۱۳۹۶، نوار دوم).

مجاهدین خلق و دیگر گروه‌های چریکی و همچنین حزب توده - که نتوانسته بودند در میان مردم جایگاهی پیدا کنند - به جامعه دانشگاهی و دانش آموزی آن زمان رخنه کردند و توانستند، عده‌ای از آنان را جذب کنند. حضور مجاهدین خلق در گروه‌های دانش آموزی و فعالیت آنان در کنار دیگر محصلان از منظرِ روایان حوادث این دوران دور نمانده است. یکی از روایان از دانش آموزانی می گوید که ابتدا در خط اصلی نهضت امام خمینی (ره) بودند و فعالیت‌های جدی و برجسته‌ای نیز داشتند؛ اما بعدها فریب سازمان مجاهدین خلق را خوردند و به خانه‌های تیمی رفتند و عاقبت نیز کشته شدند (عرب (مصاحبه)، ۱۳۹۶، نوار اول).

افزون بر قشر فرهنگی و دانش آموزان، سربازان وظیفه نیز به نوبه خود، از نهضت حمایت و در آن شرکت می کردند. سربازان نائینی با فرار از پادگان‌ها، نقش خود را در انقلاب ایفا می کردند: «از نائین دو نفر از سربازی فرار کردند، امام دستور داده بود تفنگ‌ها را هم از پادگان بردارید. ما هر روز پیش آقای طاهری اصفهانی در اصفهان می رفتیم، سربازهایی که فرار می کردند در مسجد حسین آباد که محل این کارها بود، جمع می شدند. آقای پرورش خدابامرز، این‌ها را تحویل می گرفتند، پذیرایی می کردند و اسکان می دادند» (قریشی (مصاحبه)، ۱۳۹۶، نوار اول). در بافران - یکی از روستاهای نائین - نیز دانش آموزان نقش کلیدی در مبارزات ایفا کردند. آقای عموزیدی (از شاهدان عینی حوادث انقلاب) با اشاره به مبارزات این قشر از جامعه و رهبران آن‌ها به نقش آقایان پورباقرانی، اسلامی و جعفری - که بعدها در جنگ به شهادت رسید - اشاره می کند و از نشست‌های مخفی شبانه این افراد در بافران سخن می گوید (عموزیدی (مصاحبه)، ۱۳۹۶).

۳-۳-۱- نقش زنان نائین در انقلاب اسلامی

زنان نیمی از جمعیت جامعه‌اند؛ بنابراین حرکت و سکون جمعی آنان در پیشرفت یا رکود جامعه نقشی بسیار مهم دارد. تاریخ اخیر ایران نیز از این امر مستثنا نیست و حرکت جمعی زنان مسلمان در این دوره سبب پیدایش تحولی شگرف در جامعه شده است. زنان تلاش

گسترده‌ای برای مبارزه با حکومت شاهنشاهی داشتند و برخی از آن‌ها به‌طور مستقیم در مبارزه شرکت می‌کردند و با زندان رفتن و تحمل شکنجه‌های مأموران رژیم و حتی گاه با شهادت خود، دین خویش را به انقلاب ادا می‌کردند و گروهی دیگر به‌طور غیرمستقیم، با تحمل سختی‌های زندانی شدن همسران یا فرزندان خود به انقلاب خدمت می‌کردند. امام خمینی (ره) حرکت زنان را مقدم بر مردان می‌دانست و معتقد بود که حضور زنان در صحنه اجتماع و مبارزه، سبب تقویت روحی مردان می‌شود و آنان را تشجیع می‌کند (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۴۰۸). ایشان در سخنرانی‌های دیگری چندین مرتبه به حضور زنان در مبارزات انقلابی مردم ایران اشاره کرده‌اند و نقشی همپای نقش مردان برای آنان قائل شده‌اند (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۵۰۱).

بنابراین روشن می‌شود که زنان نقش بنیادین در انقلاب و پیروزی آن داشته‌اند؛ چراکه هم خود به‌طور مستقیم در صحنه‌های گوناگون انقلاب حضور داشتند و هم باعث حضور روزافزون و تقویت روحیه پدران، فرزندان و همسرانشان در صحنه‌های مبارزه می‌شدند. زنان شهرستان نائین نیز چنین نقشی را بر عهده گرفته بودند. درباره حضور بانوان و زنان در راهپیمایی‌های نائین و شعار دادن علیه رژیم، عبدالحسین ایمانی می‌گوید: «زنان همچون مردها حضور داشتند. در راهپیمایی‌ها شعار می‌دادیم و دو دسته می‌شدیم. ماشین سواری و وانت نبود، روی مینی‌بوس شعار می‌دادیم، خانم‌ها جواب می‌دادند. در این اثنا، یکی گفت: "هر کی نگه مرگ بر شاه، هم بر خودش هم بر شاه." مرگ بر شاه دیگه شروع شد و ترسشان ریخت. آن فرد از قم آمده بود. بلندگو هم نبود بعد کم‌کم بلندگو دستی پیدا شد» (ایمانی (مصاحبه)، ۱۳۹۶، نوار اول).

یکی دیگر از فعالان انقلابی نائین، زنان نائینی را پیشگام حوادث انقلاب معرفی می‌کند و می‌گوید: زنان همیشه در مسجد امام سجاد (ع) برای تظاهرات به‌صاف می‌شدند (قربشی (مصاحبه)، ۱۳۹۶، نوار اول).

حسین عموزیدی نیز نقش زنان بافرانی در انقلاب را چنین روایت می‌کند: «زن‌ها بیش از حدی که توقع می‌رفت حضور داشتند، ... در زمینه تظاهرات همراه با جوان‌ها شعار می‌دادند، استقبال خیلی خوبی می‌شد، از بافران به شهرستان کشیده شد، خانم‌ها حضور فیزیکی و جدی خوبی داشتند، ... همیشه در صحنه بودند... در جلسات مخفی هم خیلی زیاد حضور داشتند» (عموزیدی (مصاحبه)، ۱۳۹۶، نوار اول).

۲- عوامل ساختاری مؤثر بر حرکت انقلابی مردم نائین

۲-۱- اماکن مذهبی

۲-۱-۱- مسجد؛ بستر گسترش نهضت اسلامی

مسجد در انقلاب اسلامی، اصلی‌ترین مکان شروع راهپیمایی بود. فعالیت‌های فردی مخالفت حکومت بلافاصله و با کمترین هزینه از سوی نظام سیاسی مستقر سرکوب می‌شد؛ ولی هنگامی که تعداد زیادی از مردم، به‌طور سیل‌آسا در خیابان‌ها به حرکت درمی‌آمدند، سرکوب یا کنترل آن‌ها برای نظام هزینه زیادی داشت؛ بنابراین حضور در مساجد و تجمع در این مکان مقدس عامل مهمی برای اعتراض‌های دسته‌جمعی محسوب می‌شد (نقیب‌زاده و امانی زوارم، ۱۳۸۲، ص ۱۳۳). مساجد همچنین عاملی مهم در تکثیر و توزیع پیام امام‌خمينی (ره) در اقصی نقاط کشور بودند: «نوار موعظه‌ها و سخنرانی‌های امام‌خمينی از محل اقامت ایشان در عراق توسط شبکه مسجد به شهر مقدس قم -محل سکونت امام‌خمينی قبل از تبعید- برده می‌شد. نوارها از قم به شهرهای دیگر ارسال می‌شد... این نوارها و جزوه‌ها در مساجد دست‌به‌دست مردم می‌گشت» (استمیل، ۱۳۷۷، ص ۷۱). مساجد عامل اصلی بسیج بازاریان نیز بودند. تجار همیشه در کنار علما بودند و به‌طور معمول مساجد جامع در کنار بازار و در مراکز جمعیتی تجاری شهرها قرار داشتند (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۷۲، ص ۱۱۰).

۲-۱-۱-۱- مسجد امام سجاد (ع) مرکز اصلی تجمع انقلابیون نائین

باور مذهبی مردم نائین از بارزترین خصوصیات آنان به حساب می‌آید، از این‌رو آنان علاقه وافری به اماکن مقدس مذهبی همچون مساجد و حسینیه‌ها دارند. شهر کوچک نائین با جمعیت اندکش مملو از مساجد کوچک و بزرگ و حسینیه است. در واقع یکی از ویژگی‌های برجسته و ممتاز شهر نائین وجود مساجد کوچک و بزرگ فراوان است. حتی در کوچه‌پس‌کوچه‌های نائین هم مساجدی وجود دارند. امام‌جماعت سابق مسجد امام سجاد نائین در این باره می‌گوید: «در هر منطقه‌ای [از] کوچه‌پس‌کوچه‌های قدیمی ۴ الی ۵ مسجد هست. مسجد خیلی بزرگ نیست، ولو اتاق ۳ در ۴؛ ۱۲، ۱۵، ۳۰ متری. بخش قدیم شهر هر جا بروید یک مسجد ولو کوچک می‌بینید. هر محله‌ای یک مسجد بزرگ دارد و چند تا مسجد کوچک و این امر تقیّد مردم را می‌رساند که در خانه خود نماز نخوانند و به مساجد بروند اگر فرصت دارند در جماعت شرکت

کنند و اگر ندارند در مسجدهای کوچک نماز بگذارند» (میرزابیگی (مصاحبه)، ۱۳۹۶، نوار دوم).
 از میان مساجد متعدد نائین، چند مسجد بیش از دیگر مساجد با نهضت امام خمینی (ره) ارتباط گسترده برقرار کرده بودند؛ از جمله مساجد خواجه و صاحب الزمان (عج). بعد از آن با احداث مسجد امام سجاد (ع) مرکزیت به این مسجد انتقال یافت (میرزابیگی (مصاحبه)، ۱۳۹۶، نوار دوم). مسجد خواجه خضر در نائین مرکزیت داشت و تمام امور اجرایی حوزه علمیه و دیگر فعالیت‌ها در آن جا صورت می‌گرفت، ولی با آمدن آشیخ عباسعلی مؤمن معروف به خطیب به نائین -از علمایی که همپای آشیخ جمال الدین نجفی بیشترین فعالیت را در عرصه حوزوی و فرهنگی نائین داشت- مرکزیت امور حوزوی و فعالیت‌های انقلابی در نائین تغییر یافت. حاج آقای خطیب مسجد سجاد را در دههٔ چهل بنیان گذارد و از آن پس محل و مرکز اصلی هرگونه فعالیت انقلابی در نائین به این مسجد هدایت شد (میرزابیگی (مصاحبه)، ۱۳۹۶، نوار دوم)؛ بنابراین اصلی‌ترین پایگاه انقلاب در نائین مسجد امام سجاد (ع) بود. سیدعباس قریشی نیز بر این روایت صحه می‌گذارد و از مسجد نشانهٔ محلهٔ محمدیه نیز نام می‌برد: «مسجد سجاد مرکزیت داشت. پایگاه، مسجد سجاد بود؛ هر کس می‌خواست فعالیت کند آن جا می‌رفت، محلهٔ محمدیه یک مسجد داشت، مسجد نشانهٔ بهش می‌گفتند، آنجا هم [حالت] پایگاه داشت» (قریشی (مصاحبه)، ۱۳۹۶، نوار اول).

هرچند پایگاه اصلی انقلاب در نائین مسجد سجاد بود ولی فعالیت‌های انقلابی در نائین، به این مسجد محدود نبود، بلکه در هر کوی و برزنی مسجدی دایر بود و امام جماعتی در آن مشغول فعالیت بود. در این باره نیز حجت الاسلام والمسلمین میرزابیگی می‌گوید: «در ماه رمضان همهٔ مساجد روحانی داشت. آقای حسن امامی که از اصفهان می‌آمد موضوعات خوبی را مطرح می‌کرد. آقای نصراللهی از مشهد می‌آمد. آیت‌الله جنتی یک ماه در ماه مبارک رمضان به نائین آمد و خیلی از کسانی که معروف بودند، می‌آمدند و می‌رفتند. در این اواخر آقای طباطبایی -نمایندهٔ اردستان که به شهادت رسید- کراراً به منبر می‌رفتند. آقای راشد یزدی که الان در مشهد مقدس است از یزد می‌آمدند. در ماه رمضان خیلی از مبارزین به نائین می‌آمدند و فعال بودند. مسجد خواجه هم چون آقای نجفی کسالت پیدا کرد [بود]- فعالیتش کم شده بود. مسجد شیخ مقربی از دیگر مساجد [ای] بود که پیرمردی به نام حاج میرزا فرج‌الله، واعظ آن بود. همچنین آقای اقبال -که ایشان هم پیرمردی بود- در مسجد صاحب الزمان (عج) فعالیت

می‌کرد» (میرزابیگی (مصاحبه)، ۱۳۹۶، نوار دوم).

افزون بر مساجد، تکیه‌ها و منازل شخصی نیز محلی برای برگزاری مراسم محرم و صفر و انتقال آموزه‌های دینی و سیاسی به مردم بودند. در یکی از اسناد، اسامی تکیه‌ها و منازل که این مناسبت‌ها در آن‌ها برگزار می‌شد، به ترتیب آمده است. در مجموع ۲۴ هیئت در نائین برقرار بوده است. (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۰۰۲۰۰۱۰۳).

۲-۱-۲- حسینیه‌های نائین

نائین هفت محله دارد و هر محله هم یک حسینیه دارد که بیانگر دل‌بستگی اهالی به محله‌هایشان است (گلی زواره، ۱۳۷۳، ص ۴۰). حسینیه‌ها مکانی سرپوشیده برای فصول سرد سال و فضایی باز برای سایر ایام سال دارند. بیشتر مردم از قسمت قدیم شهر به بخش نوساز نائین نقل مکان کرده‌اند و عملاً محلات قدیمی خلوت شده‌اند؛ ولی حسینیه‌ها هنوز در ایام عزاداری رونق گذشته خود را دارند و اهالی هر محله در حسینیه‌هایشان به سوگواری مشغول می‌شوند. قدمت هر کدام از این حسینیه‌ها به بیش از ۱۰۰ سال می‌رسد. حسینیه‌های نائین - که نام دیگر آن‌ها میدان است - در قدیم افزون بر آن که مرکز تجمع برای عزاداری بودند، محلی برای تصمیم‌گیری و تبادل نظر نیز به حساب می‌آمدند (سجادی نائینی، ۱۳۷۹، ص ۳۲).

۲-۱-۳- امامزاده سلطان سیدعلی

بنای امامزاده سلطان سیدعلی به اواخر قرن هفتم و هشتم هجری می‌رسد. بانی آن میرجلال‌الدین احمد بوده که در جلوی در شرقی امامزاده مدفون است. نسب امامزاده سلطان سیدعلی به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد. درباره چگونگی کشف این امامزاده نیز روایاتی سینه‌به‌سینه از قدیم مانده است (بلانیان (مصاحبه)، ۱۳۹۶؛ پیرمرد نائینی (مصاحبه)، ۱۳۹۶). این امامزاده از قدیم‌الایام در نائین مرکزیت مذهبی داشته است و در جنبش انقلابی مردم نائین نیز سهم بسیاری داشت. این مکان مذهبی هنگام راهپیمایی مقصد نهایی راهپیمایان بود. بدین گونه که مردم از «فلکه بالا» تظاهرات خود را آغاز می‌کردند و خاتمه راهپیمایی تجمع در این مکان مذهبی بود. یکی از روایان عینی در این باره می‌گوید: «راهپیمایی‌ها معمولاً از میدان امام یا فلکه بالا شروع و به امامزاده ختم می‌شد» (محمودی (مصاحبه)، ۱۳۹۶، نوار اول).

متولی امامزاده نیز دربارهٔ جایگاه امامزاده سلطان سیدعلی در اوج نهضت امام می‌گوید: «اینجا مردم جمع می‌شدند و صحن امامزاده را برای اینکه از سرمای زمستان در امان باشند می‌پوشاندند. به‌خصوص نزدیک پیروزشدن [انقلاب] خیلی اینجا شلوغ می‌شد. بعد از انقلاب اینجا پایگاه بود و نارنجک و اسلحه‌های مجهزی گذاشته بودند» (متولی‌زاده (مصاحبه)، ۱۳۹۶، نوار اول).

نتیجه‌گیری

تقریباً از دههٔ ۱۳۴۰ به بعد فعالیت گروه‌های انقلابی در نائین برجسته شد؛ حوادثی چون قیام ۱۵ خرداد و تبعید امام خمینی (ره) از جمله علل آغاز این فعالیت‌ها بود. در سال ۱۳۴۴ با حضور آیت‌الله جنتی در محمدیه نائین، مردم این خطه با اوضاع جاری کشور و نهضت امام خمینی (ره) از نزدیک آشنا شدند؛ بنابراین سال ۱۳۴۴ را می‌توان سرآغاز فعالیت‌های انقلابی در نائین دانست. نکتهٔ حائز اهمیت اینجاست که تبعید برخی از روحانیون فعال و زندانیان سیاسی مثل سیدمرتضی پسندیده (برادر امام خمینی)، سیدهدادی خسروشاهی، سیداحمد کلانتر، شیخ‌عباس ضیغمی، علی مرادخانی ارنگه معروف به شیخ‌علی تهرانی، سیداحمد سادات خراسانی، آیات: سیدمحمدصادق روحانی، محمدصادق کرباسچی تهرانی، مکارم شیرازی، خلخالی، آقای غلامحسین خردمند و... به انارک و نائین زمینه‌ساز تقویت نیروهای مبارز اسلامی شد چراکه این تبعیدیان حاملان واقعی اندیشه‌ها و آرمان‌های امام خمینی (ره) و نهضت اسلامی او بودند. آیات، حجج‌اسلام و آقایان تبعیدی به نائین با اندوختهٔ مناسب علمی و دینی‌ای که داشتند توانستند در مواجهه با تفکرات جریان‌های انحرافی -از جمله غروویون^۱ و مجاهدین خلق- ایستادگی کنند و با انتقال آموزه‌های تشیع و نهضت اسلامی امام خمینی (ره) به مردم نائین به گسترش اندیشه‌های انقلابی در این خطه یاری رسانند. افزون بر این، نباید از نقش اثرگذار

۱. سیدمحمدجواد غروی - مجتهد شیعی که برخی افکارش در تضاد با اجماع علمای شیعه بود - در نائین طرفدارانی داشت و از این روی این شهر یکی از مراکز اصلی فعالیت آنان بود. برخی نقش منفی در روند نهضت اسلامی برای آن‌ها متصور نیستند و تنها مشکل آن‌ها را اعتقادات مذهبی‌شان بیان می‌کنند (فردین (مصاحبه)، ۱۳۹۶، نوار دوم)؛ ولی برخی دیگر، از همکاری غروویون با دستگاه‌های دولتی علیه انقلابیون سخن می‌گویند (میرزابیگی (مصاحبه)، ۱۳۹۶، نوار سوم).

کانون‌های انقلاب در نائین غافل ماند. اماکن مذهبی همچون مساجد (مسجد امام سجاد (ع)) و حسینیه‌ها و امامزاده‌ها (امامزاده سلطان سیدعلی) با ایفای نقش ساختاری خود و همچنین قشرهای مختلف مردم از جمله بازاریان، فرهنگیان، دانش‌آموزان، دانشجویان و زنان، با مشارکت فعال خود به پیدایش و شکوفایی نهضت اسلامی امام‌خمینی (ره) در این شهر کمک کردند.

منابع

اسناد

- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی: شماره‌های ۱۰۳، ۲۰۰، ۳۰۰، ۴۰۰، ۵۰۰، ۶۷۷۷.

کتاب

- **۱۹ دی به روایت اسناد ساواک**. (۱۳۸۲). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- احمدی، حسین. (۱۳۹۵). **نقش معلمان و دانش‌آموزان در پیروزی انقلاب اسلامی**. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- استمپل، جان دی. (۱۳۷۷). **درون انقلاب ایران**. (منوچهر شجاعی، مترجم). تهران: رسا.
- **انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک استان اصفهان** جلد ۱، ۲ و ۳: **شرح مبارزات مردم استان اصفهان در جریان انقلاب اسلامی**. (۱۳۸۳). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- خارکوهی، غلامرضا. (۱۳۹۵). **تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات آیت‌الله سیدحبيب‌الله طاهری گرگانی**. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سجادی نائینی، سیدمهدی. (۱۳۷۹). **نائین بلده طيبه**. اصفهان: کانون پژوهش: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان اصفهان.
- **صحیفه امام**. (۱۳۷۸). (ج ۶). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمینی (س).
- عتیق‌پور، محمد. (۱۳۵۸). **نقش بازار و بازاری‌ها در انقلاب ایران**. بی‌جا: بی‌نا.

- علیان نژاد، میرزا باقر. (۱۳۸۸). *از تبعید تا پیروزی: زندگی نامه و مجموعه مقالات و مصاحبه های آیت الله ناصر مکارم شیرازی*. تهران: سوره مهر.
- کاظمی، معصومه. (۱۳۹۳). *خمین و فعالیت های سیاسی-اجتماعی آیت الله پسندیده*. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- گلدستون، ج. (۱۳۹۲). *مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب ها*. (محمد تقی دلفروز، مترجم). تهران: کویر.
- گلی زواره، غلامرضا. (۱۳۷۳). *سیمیای نائین - گوهر کویر*. [تهران]: سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر.
- لطفی، یعقوب. (۱۳۹۳). *مبارزه در تبعید: «نارک» تبعیدگاه مدافعان دین و ولایت*. تهران: موزه عبرت ایران.
- نقیب زاده، احمد؛ امانی زوارم، وحید. (۱۳۸۲). *نقش روحانیت شیعه در انقلاب اسلامی ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- یاران امام بهروایت اسناد ساواک جلد ۲۰: *آیت الله حاج سید مرتضی پسندیده*. (۱۳۸۰). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- یاران امام بهروایت اسناد ساواک جلد ۳۵: *حجت الاسلام والمسلمین حاج سید محمد احمدی*. (۱۳۸۴). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- یاران امام بهروایت اسناد ساواک جلد ۴۶: *آیت الله حاج شیخ شهاب الدین اشراقی*. (۱۳۹۲). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

مقاله

- اشرف، احمد؛ بنوعزیزی، علی. (۱۳۷۲). «طبقات اجتماعی در دوره پهلوی». (عماد افروغ، مترجم). *مجله راهبرد*، ش ۲، زمستان ۱۳۷۲، صص ۱۰۲-۱۲۶.
- «خاطرات عبائی از تبعیدگاه های خویش». (۱۳۸۴). *مجله یاد*، ش ۷۶، تابستان ۱۳۸۴، صص ۱۵۲-۱۶۱.
- خسروشاهی، سیدهدادی. (۱۳۸۸). «خودمان تبعید را لغو کردیم!». *مصاحبه با سیدهدادی خسروشاهی*. *مجله یاد آور*، ش ۴ و ۵، زمستان ۱۳۸۷، بهار ۱۳۸۸، صص ۱۱۳-۱۲۵.

- «دیدار با یکی از شاگردان امام»، مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین اسحاق نیا، (۱۳۸۰).
- پژوهشنامه متین، تابستان و پاییز ۱۳۸۰، ش ۱۱ و ۱۲، صص ۲۷۰-۲۴۷.
- صدیقی، سیدمحمدحسن. (۱۳۸۴). «زندگی نامه آیت‌الله محمد عبائی خراسانی». مجله یاد، ش ۷۶، تابستان ۱۳۸۴، صص ۲۰-۱۵.
- مشایخی، مهرداد. (آذر ۱۳۷۳). «نقش جوانان در انقلاب ایران». مجله کلک، ش ۵۷، صص ۳۶-۵۳.

مصاحبه

- ایمانی، عبدالحسین، (جمعه اردیبهشت ۱۳۹۶). نائین.
- بلانیان، علی، (پنج‌شنبه ۳۱ فروردین ۱۳۹۶). نائین.
- پیرمرد نائینی، (پنج‌شنبه ۳۱ فروردین ۱۳۹۶). نائین.
- سفیدگر، رسول، (جمعه اردیبهشت ۱۳۹۶). نائین.
- عالمی، حسین، (پنج‌شنبه ۳۱ فروردین ۱۳۹۶). نائین.
- عرب، جهانگیر، (پنج‌شنبه ۳۱ فروردین ۱۳۹۶). نائین.
- عموزیدی، حسین، (جمعه اردیبهشت ۱۳۹۶). نائین.
- فردین، حسین، (جمعه اردیبهشت ۱۳۹۶). نائین.
- قریشی، سیدعباس، (پنج‌شنبه ۳۱ فروردین ۱۳۹۶). نائین.
- متولی‌زاده، محمد، (پنج‌شنبه ۳۱ فروردین ۱۳۹۶). نائین.
- محمودی، مجتبی، (جمعه اردیبهشت ۱۳۹۶). نائین.
- ملکیان نائینی، رضا، (جمعه اردیبهشت ۱۳۹۶). نائین.
- میرزاییگی، حجت‌الاسلام والمسلمین محمود، (پنج‌شنبه ۱۷ فروردین ۱۳۹۶). قم.

منابع اینترنتی

- erfانvahekmat.com
- پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه: www.hawzah.net